

متن زیر بخشی از مقدمه کتاب در دست انتشار "عام و خاص در اخلاق" است که سروش دباغ نویسنده آن است. این کتاب در حوزه فلسفه اخلاق تحلیلی نگاشته شده و انتشارات هرمس در آینده نزدیک آن را منتشر خواهد کرد.

#### مقدمه

خوشبختانه چند صباحی است که بحث پیرامون فلسفه اخلاق و شاخه‌های مختلف آن در فضای فلسفی- فرهنگی این دیار رونق گرفته است. بنا بر یک تقسیم‌بندی، فلسفه اخلاق مشتمل بر سه شاخه فرااخلاق<sup>۱</sup>، اخلاق هنجاری<sup>۲</sup> و اخلاق کاربردی<sup>۳</sup> است. دو حوزه فرااخلاق و اخلاق هنجاری، حوزه‌هایی بوده‌اند که در مورد آن‌ها کارهای درخور توجهی در قالب تألیف و ترجمه به زبان فارسی منتشر شده است.<sup>۴</sup> شاید یکی از دلایل اقبال به فلسفه اخلاق در قیاس با سایر شاخه‌های فلسفه، ربط و نسبت وثیق مسائل آن با زندگی روزمره باشد.

فرااخلاق که می‌توان آن را انتزاعی‌ترین شاخه فلسفه اخلاق به شمار آورد، خود شامل سه حوزه دلالت‌شناسی اخلاق<sup>۵</sup>، وجودشناسی اخلاق<sup>۶</sup> و معرفت‌شناسی اخلاق<sup>۷</sup> است. سوالاتی نظیر این که معنای مفاهیم اخلاقی، مانند خوبی، بدی و ... چیست در دلالت‌شناسی اخلاق مورد بحث قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، جورج اوارد مور بر این رای بود که نمی‌توان مفهوم خوبی را برحسب اوصاف طبیعی‌ای نظیر لذت، کمال و ... تعریف کرد. خوبی، غیرقابل تعریف است و معنایی را که بر آن بار می‌شود، باید به نحو شهودی احراز کرد.<sup>۸</sup> پرسش از واقع‌نمون بودن یا نبودن گزاره‌های اخلاقی، در وجودشناسی اخلاقی به بحث گذاشته می‌شود. گزاره "آسیب رساندن به کودکی که قدرت دفاع از خود را ندارد، بد است" را در نظر

بگیرید. تلقی اخلاقی  
متعارف اکثر  
انسان‌ها  
این



## "عام و خاص در اخلاق"

سروش دباغ

است

که انجام

چنین کاری قویا بد

است. پرسش فلسفی‌ای که

در این میان مطرح می‌شود، آن است که انصاف وصف "بدی" به "آسیب رساندن به کودک بی دفاع" چگونه انصافی است؟ آیا هنگامی که یک کنشگر اخلاقی چنین سخنی بر زبان می‌آورد، بر این رای است که از امری واقعی در عالم پیرامون خبر می‌دهد یا به احساسات و عواطف خویش اشاره کرده، آن‌ها را فرافکنی می‌کند؟ واقع‌گرایان، البته با تقریرهای مختلف، بر این رایند که گزاره‌های اخلاقی، کاشف از عالم واقعند و خصوصیات نظیر خوبی و بدی را به نحوی از انحاء، می‌توان در جهان پیرامون یافت.<sup>۹</sup> در مقابل، ضد واقع‌گرایان معتقدند که اوصافی نظیر خوبی، بدی، باید، نباید و ... بخشی از اثنایه جهان خارج نیستند و نمی‌توان از آن‌ها رد پایی در دنیای اطراف یافت.

از سوی دیگر، پرسش از این که آیا ما اساساً معرفت اخلاقی داریم یا نصیب ما در این وادی، چیزی جز شکاکیت اخلاقی نیست، در حوزه معرفت‌شناختی اخلاقی مطرح می‌شود؛ به عنوان مثال، شهودگرایان<sup>۱۰</sup> اخلاقی معتقدند ضابطه رسیدن به گزاره‌های اخلاقی موجه، شهود<sup>۱۱</sup> است؛ شهودی که غیر استنتاجی<sup>۱۲</sup> است و بدون واسطه‌گری عوامل دیگر به دست می‌آید. شهودگرایان کلاسیک نظیر جورج اوارد مور و دیوید راس، شهودهای اخلاقی را خطاناپذیر می‌دانستند، در حالی که شهودگرایان جدید نظیر رابرت آئودی و جان راولز، آن‌ها را خطاپذیر قلمداد می‌کنند.<sup>۱۳</sup>

یکی از پرسش‌های مهمی که در فرااخلاق به بحث گذاشته می‌شود، این است که آیا ما اساساً دارای اصول اخلاقی هستیم یا نه؟ آیا می‌توان برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه در زندگی روزمره از اصولی نظیر "وفای به عهد باینسته است"، "آسیب نرساندن به دیگران باینسته است" و ... استفاده کرد؟ یا این اصول یاد شده آن قدر در سیاق‌های مختلف نقض می‌شوند و تحت الشعاع مولفه‌های گوناگون

قرار می‌گیرند که بقیتی از آن‌ها بر جای نمی‌ماند؟ همانند ظرف پر از آبی که بر اثر سوراخ شدن، رفته رفته تمام آب داخل آن خالی می‌شود.<sup>۱۵</sup> در سنت فلسفه قاره‌ای، فیلسوف آکزیستانسیالیستی مانند ژان پل سارتر، با مطرح کردن اخلاق موقعیتی<sup>۱۶</sup> در صدد پاسخگویی به این پرسش برآمد. بنا بر رای او، در وادی اخلاق آنچه برای رسیدن به داور اخلاقی موجه محوریّت دارد و نقش مهمی ایفا می‌کند موقعیت وجودی کنشگر اخلاقی است. این موقعیت وجودی که اقتضائات گوناگونی دارد، به هیچ وجه قاعده‌پذیر نیست، در حصار قواعد اخلاقی صلب و سخت نمانده و کنشگر اخلاقی را در سیاق‌های مختلف به این سو و آن سو می‌کشاند. همچنین ایمانوئل لویناس، فیلسوف پدیدارشناس، با تأکید بر مفهوم "دیگری"<sup>۱۷</sup> و رابطه غیرمستقارن سوژه اخلاقی با دیگران، تعمیم‌پذیری در وادی اخلاق را کم‌اهمیت می‌انگارد و بر یکتایی و منحصر به فرد بودن تصمیمات اخلاقی، انگشت تأکید می‌نهد.

از سوی دیگر، در سنت فلسفه تحلیلی، فیلسوفانی مانند جانان دلسی، دیوید مک‌ناتون و جان مک‌اول در دهه هشتاد میلادی با مطرح کردن مبحث خاص‌گرایی اخلاقی<sup>۱۸</sup>، بحث از عدم وجود اصول اخلاقی با عدم نیاز به آن‌ها را برای رسیدن به داور اخلاقی موجه در سیاق‌های گوناگون پیش کشیدند. برای دلسی، مساله بیشتر سمت و سوی وجودشناسانه دارد، حال آن‌که نزد مک‌ناتون و مک‌اول بیشتر صبغه معرفت‌شناسانه دارد. در واقع ایشان با تکیه بر شهودهای اخلاقی متعارف ما و ذکر مثال‌های فراوان از آنچه در زندگی اخلاقی روزمره اتفاق می‌افتد، می‌کوشند نشان دهند اصل اخلاقی‌ای نظیر "وفای به عهد و وظیفه است" آن قدر در سیاق‌های مختلف نقض می‌شود و رفتار دلیل‌آفرین وصفی مانند "وفای به عهد" به قدری در سیاق‌های گوناگون تغییر می‌کند که می‌توان چنین انگاشت که دلیلی برای مفروض گرفتن این اصول اخلاقی در دست نداریم (وجودشناختی) و این اصول برای رسیدن به داور اخلاقی موجه، از ما دستگیری نمی‌کنند (معرفت‌شناختی).

کتاب پیش‌رو، می‌کوشد پیشینه بحث درباره خاص‌گرایی و عام‌گرایی را در سنت اخلاق تحلیلی مورد بررسی قرار دهد. کتاب از دو فصل عمده تشکیل شده است: فصل اول رای خاص‌گرایی در باره نحوه رفتار دلایل اخلاقی در سیاق‌های مختلف و میزان الگوپذیر بودن آن‌ها را مورد بحث

قرار می‌دهد. برای فهم بهتر رای خاص‌گرایی در این باب، در ابتدا اقسام پنج‌گانه خاص‌گرایی، با توجه به ادبیات مربوطه، از یکدیگر تفکیک شده‌اند. در ادامه، بحث بر روی خاص‌گرایی معرفت‌شناختی و خاص‌گرایی وجودشناختی متمرکز شده و ادله خاص‌گرایی درباره مدعیات‌شان به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. سپس، چهار استدلال در نقد مواضع خاص‌گرایی اقامه شده است؛ در صورت‌بندی یکی از استدلال‌ها از آموزه‌های وینگشتاین متأخر بهره بردم. اگر ادله اقامه شده در نقد مواضع خاص‌گرایی موجه باشد، آنچه بر جای می‌ماند، عبارت خواهد بود از موضع عام‌گراییانه حداقلی یا معتدل.<sup>۱۹</sup>

در ادامه این تحقیق در فصل دوم، اخلاق در نظر اول راس<sup>۲۰</sup> به عنوان نمونه و مصداقی از موضع عام‌گراییانه معتدل، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. برای تبیین مدعیات وجودشناختی و معرفت‌شناختی دستگاه اخلاقی راس، از تفکیک میان جرم و وزن در فیزیک نیوتنی و روش تحلیل برداری<sup>۲۱</sup> استفاده شده است. در ادامه با نشان دادن مشکل وجود شناختی‌ای که دستگاه اخلاقی راس با آن مواجه است، کوشش شده با کمک گرفتن از آموزه‌های وینگشتاین، این مشکل برطرف شود. در عین حال نشان داده شده که خاص‌گرایی اخلاقی نیز افزون بر مشکلاتی که در فصل اول به آن‌ها اشاره شده، با همین مشکل مواجه است.

می‌توان چنین نتیجه گرفت در بحث از چگونگی رفتار دلایل اخلاقی در سیاق‌های مختلف که به نزاع میان خاص‌گرایی و عام‌گرایی موسوم است، خاص‌گرایی اخلاقی با شهودهای اخلاقی متعارف ما سازگاری ندارد و ناموجه می‌نماید. در عین حال، اخلاق در نظر اول راس که اخلاقی کثرت‌گراست و در عین حال عام‌گراییانه و معتدل، با شهودهای اخلاقی ما سازگارتر است، به شرطی که برای مشکل وجودشناختی آن تمهیدی اندیشیده شود. به نظر می‌رسد آموزه‌های وینگشتاینی می‌توانند در این راستا ما را یاری کنند . . . .

پانوش‌ها

۱. Meta-Ethics
۲. Normative Ethics / ۳. applied Ethics
۴. درباره فلسفه اخلاق و شاخه‌های مختلف آن چندین تقسیم‌بندی وجود دارد. برخی اخلاق کاربردی را بخشی از اخلاق هنجاری می‌دانند، برخی دیگر برای اخلاق توصیفی (descriptive ethics) که حاوی نگاهی تاریخی به قول و آرای مکاتب مختلف اخلاقی است، شان زیادی قائل‌اند

و . . . . در این‌جا صرفاً از یکی از تقسیم‌بندی‌های موجود برای صورت‌بندی بحث بهره بردم. برای آشنایی بیشتر با این نوع تقسیم‌بندی‌ها، به عنوان نمونه، نگاه کنید به:

Tannsjo, T. Understanding Ethics: An Introduction to Moral Theory, Great Britain: Edinburgh University Press, ۲۰۰۲, Chapter. ۱

۵. به عنوان نمونه‌هایی از این کارها، نگاه کنید به: فنایی، ابوالقاسم: دین در ترازوی اخلاق، تهران، صراط، ۱۳۸۵. همچنین نگاه کنید به: وارناکه مری: فلسفه اخلاق در قرن بیستم، ترجمه ابوالقاسم فنایی، قم، بوستان قم، ۱۳۸۰؛ گنسر، هری: درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ترجمه حمیده بحرینی، ویراسته مصطفی ملکیان، تهران، آسمان خیال، ۱۳۸۵؛ مرداک، آیریس: سیطره خیر، ترجمه شیرین طالقانی، با ویرایش و مقدمه مصطفی ملکیان، تهران، شور، ۱۳۸۷؛ دیویس، کالین: درآمدی بر اندیشه لویناس، ترجمه مسعود علیا، تهران، موسسه پژوهش حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۶.

۶. Moral Semantics

۷. Moral Ontology/۸. Moral Epistemology

۹. استدلال مورد در این باب که موسوم به مغالطه طبیعت‌گراییان (naturalistic fallacy) است، در منبع ذیل مورد بحث قرار گرفته است:

Miller, Alexander: An Introduction to Contemporary Metaethics, Cambridge, Blakwell, ۲۰۰۳, P. p. ۱۰-۲۵.

۱۰. درباره اقسام واقف‌گرایی اخلاقی، به عنوان نمونه نگاه کنید به:

(۲۰۰۶) Ethics: Discovering Right and wrong (USA: Wads worth); Smith, M. (ed.) 'Moral Realism' in Singer, P. (ed.) A Companion to Ethical Theory (Cambridge: Blakwell).

۱۱. Intuitionists / ۱۲. Intuition

۱۳. Non - Interontial

۱۴. برای آشنایی بیشتر با بحث‌های اخیر درباره شهودگرایی اخلاقی نگاه کنید به:

Shatton-L. ake, p. Ehhical Intuitionism: Re-cvaluarions (ed) , Oxtord, Blackwell, ۲۰۰۲.

۱۵. مقاله اخلاق خدایان، نوشته عبدالکریم سروش از معنود مقالات قابل توجهی است که در زبان فارسی درباره استنباطی بودن یا نبودن اصول اخلاقی و چگونگی رفتار دلایل اخلاق در سیاق‌های مختلف نوشته شده است. البته در این مقاله، این مساله بیشتر از منظر جامعه‌شناختی به بحث گذاشته شده است. مشخصات مقاله یاد شده از این قرار است: سروش، عبدالکریم: اخلاق خدایان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، صص ۴۰-۱۱.

۱۶. Situational Ethics / ۱۷. Otherness

۱۸. Moral Particularism

۱۹. Modest - Gticneralistic viow

۲۰. Ethics of Prima Facie Duties

۲۱. Vector Analysis